

# بررسی ترکیب‌های اضافی و وصفی در شعر علیرضا قزوه از منظر تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف

فاطمه شفیعی تبار

مدرس دانشگاه فرهنگیان پردیس حضرت معصومه (س) قم

f.shafietabar@yahoo.com

## چکیده:

ترکیب‌سازی یکی از فرایندهای زبانی است که می‌تواند به غنای زبان شعر کمک کند. افزون بر این، ترکیب‌ها به عنوان عناصر فشرده زبانی، خواه‌ناخواه روحیات شاعر را مشخص‌تر نشان می‌دهند. مقاله حاضر با روش تحلیلی بر اساس تحلیل گفتمان انتقادی نورمن فرکلاف، به واکاوی ترکیب‌های اضافی و وصفی در شعر علیرضا قزوه پرداخته است. قزوه شاعری دارای ایدئولوژی اسلامی و انقلابی است. تحلیل گفتمان انتقادی، راه‌های دستیابی به ایدئولوژی مؤلف را در متن پیش پای ما می‌گذارد. به باور فرکلاف این کار طی سه مرحله توصیف، تفسیر و تبیین پیش می‌رود. نتیجه این مقاله حاکی از آن است که ترکیب‌های اضافی و وصفی شعر قزوه، گویای باورهای اعتقادی و اجتماعی این شاعرند و با وجود فشرده‌گی زبانی، این باورها را در زمینه دفاع مقدس، شهادت و شهیدان، مذهب، اعتراض و استکبارستیزی، به‌خوبی نشان می‌دهند.



کلیدواژه‌ها: شعر معاصر، علیرضا قزوه، ترکیب‌سازی، تحلیل گفتمان انتقادی، نورمن فرکلاف

## ۱. مقدمه

یکی از امتیازات زبان فارسی نسبت به بیشتر زبان‌های دیگر، خاصیت ترکیب‌سازی است، بدین معنی که «می‌توان از پیوستن واژه‌های زبان به یکدیگر یا افزودن پیشوندها و پسوندها، برای معانی تازه بهره گرفت و بدین گونه هزاران واژه با معانی تازه ساخت» (مقرب، ۱۳۷۲: ۶). شاعران معمولاً از این امکان بهره‌های بسیار می‌برند تا به شعرشان غنا ببخشند. بر این پایه، شعر، مستعدترین زمینه برای ترکیب‌سازی است. ضرورت‌های گوناگون زبانی و ادبی و فکری، هرچه بیشتر به این فرایند دامن زده‌اند و باعث پدید آمدن ترکیب‌های فراوان در شعر فارسی شده‌اند. با این حال، این کار در شعر سبک هندی افزایش یافته است. دکتر شفیعی کدکنی در این باره می‌نویسد: «زبان فارسی در میان زبان‌های جهان، به لحاظ امکان ساختن ترکیب، چنان که زبان‌شناسان می‌گویند، در ردیف نیرومندترین و بااستعدادترین زبان‌هاست و مسئله ساخت ترکیبات خاص یکی از مسائلی است که هر شاعری در هر دوره‌ای در راه آن - هر چند اندک - کوشش کرده است، اما شاعران فارسی زبان در قدرت ترکیب‌سازی یا در توجه به ترکیب‌سازی یکسان نیستند ... در سبک هندی بالا بودن بسامد ترکیب، خود یک عامل سبک‌شناسی است» (شفیعی کدکنی، ۱۳۶۶: ۶۴). همین فرایند، در شعر معاصر با خودآگاهی افزون‌تر شاعران نسبت به آن، رواج کامل پیدا کرده است. ترکیب‌هایی که شاعران می‌سازند، از جهات گوناگون شایان ارزیابی‌اند. یکی از این جهات، ایدئولوژی شاعر است. بی‌گمان عناصر ترکیب‌های ساخته ناصر خسرو، شاعر اسماعیلی، با عناصر ترکیب‌های ساخته مولوی، شاعر عارف، اختلاف دارند و چه بسا این نکته به تفاوت ایدئولوژی آن‌ها بازمی‌گردد.

تحلیل گفتمان انتقادی، روش واکاوی ایدئولوژی مؤلف است. از این دیدگاه، گفتمان، سخنی است که به ایدئولوژی ارجاع می‌دهد. در مقاله حاضر می‌کوشیم با روش تحلیل گفتمان انتقادی، به تحلیل ترکیب‌های اضافی و وصفی در شعر شاعر معاصر، علیرضا قزوه، پردازیم. از دیدگاه نورمن فرکلاف: «تحلیل گفتمان، تجزیه و تحلیل زبان در کاربرد

آن است و در این صورت نمی‌تواند منحصر به توصیف صورت های زبانی مستقل از اهداف و کارکردهایی باشد که این صورت‌ها برای پرداختن به آن‌ها در امور انسانی به وجود آمده‌اند» (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۱۰).

### مسئله تحقیق

ترکیب‌های اضافی و وصفی به کار رفته در شعر قزوه چگونه ما را به ایدئولوژی این شاعر، رهنمون می‌شوند؟ این پرسش، مسئله اصلی پژوهش حاضر را تشکیل می‌دهد. همچنین این که ترکیب‌ها در شعر این شاعر، به طور کلی چه انواعی دارند، جزو مسائل فرعی این پژوهش است.

### پیشینه تحقیق

در باره شعر قزوه تا کنون تحقیقات چندی صورت گرفته است که عبارتند از: «بررسی جریان اعتراض در شعر و سینمای دفاع مقدس با تکیه بر آثار علیرضا قزوه و ابراهیم حاتمی کیا» (تقی زاده، ۱۳۹۲)، «بررسی مؤلفه‌های پایداری در اشعار محمود درویش و علیرضا قزوه» (سفارشی بیدگلی: ۱۳۹۴)، «بررسی تطبیقی درون‌مایه اعتراض در شعر احمد مطر و علیرضا قزوه» (حسینی مؤخر و نجات: ۱۳۹۵) و «بررسی مضمون‌ها و حوزه های عرفان در مجموعه اشعار قزوه» (عابدی و یزدانی: ۱۳۹۶)، اما چنان که عنوان این آثار نشان می‌دهند، هیچ‌کدام به بررسی ترکیب‌ها در شعر این شاعر و مطالعه این موضوع از منظر روش تحلیل گفتمان انتقادی نپرداخته‌اند؛ کاری که این مقاله عهده‌دار آن است.

### روش تحقیق

پژوهش حاضر، به روش تحلیلی با رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی پیش می‌رود. همچنین نظریه نورمن فرکلاف در این روش تحلیل، دستمایه کار و جامعه آماری این پژوهش، پنج مجموعه شعر قزوه، یعنی «این همه یوسف» (۱۳۷۶)، «با کاروان نیزه» (۱۳۸۵)، «از نخلستان تا خیابان» (۱۳۸۸)، «عشق علیه السلام» (۱۳۸۹) و «شبلی و آتش» (۱۳۹۳) خواهد بود. همینطور، به دلیل پرشماری انواع ترکیب‌های زبان فارسی، به تحلیل ترکیب‌های اضافی و وصفی این چهار مجموعه شعر بسنده می‌کنیم تا کار با جزئی‌نگر پیش بود.

دهمین همایش ملی پژوهش‌های زبان و ادبیات فارسی - دی ۱۳۹۹

### ۱. بحث نظری

[www.anjomanfarsi.ir](http://www.anjomanfarsi.ir)

### در باره ترکیب

در باره معنای لغوی ترکیب نوشته‌اند: «به معنای سوار کردن چیزی است بر چیز دیگر و مجازاً به معنای آمیختن چیزی است با چیز دیگر» (ذاکری، ۱۳۸۱: ۴۲). با این حال، معنای اصطلاحی این واژه «پیوستن چند لفظ مستقل است به یکدیگر، چنانچه از مجموع آن‌ها معنای تازه‌ای اراده شود که بجز معنای اصلی هر یک از آن دو کلمه باشد» (ناتل خانلری، ۱۳۶۶: ۱۱۰). ساخت ترکیب این‌گونه است که در آن: «دست‌کم دو تکواژ آزاد به یکدیگر می‌پیوندند و کلمه‌ای جدید می‌سازند. در فارسی، انواع گوناگون کلمه به هم می‌پیوندند و کلمه مرکب می‌سازند... ترکیب از فرایندهای بسیار فعال در دستگاه ساختواری زبان فارسی است که در همین چند دهه اخیر، واژه‌های بسیاری از رهگذر آن ساخته شده است» (طباطبایی، ۱۳۷۶: ۱۴. نیز رک: آشوری، ۱۳۷۵: ۱۳۱؛ ذاکری، ۱۳۷۲: ۳۷۸).

با توجه به این که «زبان فارسی یکی از شاخه‌های غربی زبان هند و ایرانی، از گروه زبان‌های هند و اروپایی و زبانی ترکیبی است» (مقربی، ۱۳۷۲: ۶)، این زبان «آمادگی خاص، برای ساختن این گونه لغات و اصطلاحات تازه را دارد و در هر زمانی فارسی زبانان، قسمتی از احتیاجات خود را به لغات جدید با این روش بر می‌آورند» (ناتل خانلری، ۱۳۶۶: ۱۱۰) و «اوج هنر زبان فارسی در واژه‌سازی، قدرت این زبان در ساختن واژه‌های مرکب است» (محمدی و دیگران، ۱۳۹۰: ۲۸۷). بر این پایه، از آغاز تحقیقات دستوری و زبان‌شناختی، بحث ترکیب‌در زبان فارسی مورد توجه دستوریان و زبان‌شناسان بوده است و حتی کتاب‌های مستقلی در این باره پدید آمده است.

یکی از مباحث این تحقیقات، انواع ترکیب است، چنان که سرجمع، ترکیب‌ها را ذیل دست‌کم سه نوع عمدهٔ اضافی و وصفی و کلمهٔ مرکب گنجانده‌اند. در بارهٔ ترکیب‌های اضافی و وصفی، بحث‌های ممتعی صورت گرفته است. برای نمونه دستور پنج استاد اضافه را به پنج گروه ملکی، تخصیصی، بیانی، تشبیهی و استعاری دسته‌بندی کرده است (قریب و دیگران، ۱۳۷۸: ۵۰) و شریعت انواع اضافه را در نه گروه قرار می‌دهد که عبارتند از: ملکی، بیانی، توضیحی، تشبیهی، استعاری، اقتراعی، بنوت یا فرزندی، تخصیصی یا اختصاصی و توصیفی (شریعت، ۱۳۷۹: ۵۶-۵۴). این دست تقسیم‌بندی‌های معنایی از ترکیب اضافی در دیگر کتاب‌های دستور زبان (برای نمونه ر.ک: مشکوه‌الدینی، ۱۳۸۴: ۱۵۸؛ غلامعلی زاده، ۱۳۷۷: ۶۴) نیز دیده می‌شود. همچنین دستورنویسان صفت را کلمه‌ای برای مقید ساختن اسم و بیان حالت و چگونگی آن (خیام پور، ۱۳۷۵: ۴۹) تعریف کرده‌اند و همین ویژگی در کتاب‌های دیگر هم تکرار شده است. بر این پایه، صفت از لحاظ معنی به حالت و چگونگی اسم اشاره می‌کند (مشکوه‌الدینی، ۱۳۸۴: ۹۸؛ نوبهار، ۱۳۷۲: ۱۴۲). همین ویژگی در کتاب‌های دیگر نیز به تکرار ذکر شده است (ر.ک: ارژنگ، ۱۳۷۴: ۷۵؛ مشکوه‌الدینی، ۱۳۸۴: ۹۸؛ لازار، ۱۳۸۹: ۱۰۴؛ گلفام، ۱۳۸۹: ۳۳). در کل، از مجموع مباحث چنین برمی‌آید که ترکیب‌های اضافی و وصفی شامل زبانی و بلاغی‌اند، تا جایی که ترکیب اضافی زبانی، انواع تخصیصی و ملکی و اقتراعی و بنوت و بیانی و توضیحی را در برمی‌گیرد و ترکیب اضافی بلاغی، انواع تشبیهی و استعاری را و ترکیب وصفی زبانی نیز یک نوع، مانند: «مرد نیک» بیشتر ندارد و ترکیب وصفی بلاغی هم باز دو نوع تشبیهی، مانند «مشت آهنین» و استعاری، مانند «شب معصوم» دارد و ورود هر فرایند روساختی دیگر، مانند فرایند قلب، در این انواع که به تعبیر دستوریان، ترکیب اضافی یا وصفی مقلوب ایجاد می‌کند، موجب خروج آن‌ها از دایرهٔ ترکیب اضافی و وصفی و ورود آن‌ها به دایرهٔ کلمهٔ مرکب می‌شود\*. بر این پایه، نظر ما راجع به ترکیب‌های اضافی و وصفی در اینجا، همین انواع مذکور خواهد بود.

#### دربارهٔ شاعر

علیرضا قزوه، زاده بهمن ۱۳۴۲ در گرمسار، شاعر معاصر ایرانی، پس از اخذ دیپلم تجربی، کارشناسی ارشد حقوق قضایی گرفت و پایان‌نامهٔ این مقطع تحصیلی او در زمینهٔ شعر و ادبیات معاصر تاجیکستان بود. وی همچنین دانش‌آموختهٔ دکترای رشته فیلولوژی (زبان‌شناسی) از دانشگاه دولتی ملی تاجیکستان است. کار در رسانه‌های نوشتاری و دیداری و فعالیت در حوزهٔ هنری و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و گاه در سمت وابستهٔ فرهنگی از زمرهٔ فعالیت‌های قزوه است. از او حدود ۴۰ کتاب شعر و نقد و سفرنامه و نثر و تحقیق به چاپ رسیده است. کتاب‌های از نخلستان تا خیابان، شبلی در آتش، این همه یوسف، عشق علیه السلام، قطار اندیمشک، با کاروان نیزه، سوره انگور و انگشتری سوم خاتم از مجموعه‌های شعر وی است (مشیری، ۱۳۹۵: ۱).

قزوه یکی از ارکان شعر انقلاب و دفاع مقدس بوده است و بیشتر شعرهای او در قالب کلاسیک و نیمایی و سپید، محتوای ایدئولوژیک و انقلابی و اعتراضی دارد. از دیدگاه جواد محقق، مهم‌ترین ویژگی شعرهای وی طراوت، تازگی و آمیختگی آن‌ها با مضامین اعتقادی، فرهنگ بومی و مفاهیم ملی و مذهبی ایران است (همان: ۲).

#### در بارهٔ تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف

تحلیل گفتمان انتقادی یکی از مباحث جدید در حوزهٔ نقد ادبی است که تحلیلگران طی دهه‌های اخیر، آن را برای تحلیل متون به کار برده‌اند. این روش تحلیل، می‌کوشد جهان‌بینی مؤلف را با جستجو در لایه‌های آشکار و پنهان متن، بشناساند و بر پایهٔ این اندیشه که متن، بازتاب تحولات اجتماعی و بویژه ایدئولوژیک است، رابطهٔ زبان و اجتماع را نشان دهد.

بدون این که بخواهیم به بیان مکرر تاریخچهٔ تحلیل گفتمان انتقادی بپردازیم، لازم است اجمالاً توضیح دهیم که یکی از نظریه‌های پذیرفته برای تحلیل گفتمان انتقادی، نظریهٔ نورمن فرکلاف است. از دیدگاه او «متن یا گفتمان، به مجموعه‌ای از عوامل بیرونی متکی است. این عوامل، هم در فرایند تولید متن و هم در فرایند تفسیر متن مؤثرند. فرایند

تولید و تفسیر، دارای تعامل و کنش دوسویه‌اند و در نتیجه همدیگر را متأثر می‌کنند. هر متنی علاوه بر بافت متن و فرایند تفسیر متن، از شرایط اجتماعی متأثر است که متن در آن تولید یا تفسیر می‌شود. بافت اجتماعی و فرهنگی تأثیری بیشتر نسبت به بافت متن و فرایند تولید و تفسیر آن دارد» (نیستانی، ۱۳۸۳). به‌طور کلی سطوح تحلیل گفتمان از نظر فرکلاف عبارتند از: **سطح اول** گفتمان به مثابه متن (مرحله توصیف)، **سطح دوم** گفتمان به مثابه تعامل بین فرایند تولید و تفسیر متن (مرحله تفسیر) و **سطح سوم** که سطح کلان گفتمان است، به مثابه زمینه (مرحله تبیین) مرحله توصیف، به تحلیل مقوله‌های زبان‌شناختی گفتمان، فارغ از نقش زمینه می‌پردازد، مرحله تفسیر، به روابط موجود بین روندهایی می‌پردازد که باعث تولید و درک این گفتمان می‌شود و دانش زمینه تولید متن و نسبت گفتمان با ساختارهای اجتماعی است و سرانجام، مرحله تبیین نیز گفتمان را به عنوان جزئی از روند مبارزه اجتماعی در ظرف مناسبات قدرت، مطالعه می‌کند (قبادی، ۱۳۸۸: ۱۵۷).

## ۲. بحث عملی

### تحلیل گفتمان انتقادی ترکیب‌های پنج مجموعه شعر در سه سطح

#### ۱-۲ ترکیب‌ها در سطح توصیف

در این سطح، متن جدا از سایر متن‌ها و زمینه اجتماعی بررسی می‌شود و به‌ویژه ویژگی‌های صوری متن و به‌خصوص ویژگی‌های واژگانی و دستوری آن اهمیت پیدا می‌کند. این تحلیل، تحلیل انتزاعی متن است (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۱۶۷). بر این پایه، به‌گزینی داده‌ها، تأمل برانگیز خواهد بود (همان: ۲۷۱) و با توجه به این که موضوع تحلیل ما، همان انواع ترکیب‌های اضافی وصفی است، جا دارد بگوییم قزوه در پنج مجموعه شعر «این همه یوسف» (۱۳۷۶)، «با کاروان نیزه» (۱۳۸۵)، «از نخلستان تا خیابان» (۱۳۸۸)، «عشق علیه السلام» (۱۳۸۹) و «شبللی و آتش» (۱۳۹۳) که جامعه آماری ما را تشکیل می‌دهند، از انواع ترکیب‌های اضافی و وصفی عموماً ابداعی سود جسته است و نمونه آن‌ها ذیلاً می‌آید:

#### ترکیب اضافی زبانی

**اضافه تخصیصی:** اضافه تخصیصی یا اختصاصی، اضافه‌ای است که در آن مضاف مخصوص مضاف‌الیه است بدون وجود رابطه مملوکی و مالکیت میان آن‌ها. فرق بین اضافه ملکی و تخصیصی این است که در اضافه ملکی معمولاً مضاف‌الیه انسان است و امکان دارد مالک باشد، ولی در اضافه تخصیصی چنین نیست و مضاف‌الیه بیشتر حیوان یا شیء است (یاسمی و دیگران، ۱۳۸۰: ۵۲):

دخیلی بسته‌ام بر دسته جام      دلم را جامی از می کن سرانجام  
(قزوه، ۱۳۷۶: ۱۶)

**اضافه ملکی:** در این نوع اضافه، رابطه میان مضاف و مضاف‌الیه رابطه مملوکی و مالکیت است (شریعت، ۱۳۷۵: ۳۶۲):

فردا که کوه‌ها همه سیم‌غ می‌شوند      پر می‌کشد زمین خدا فکر بال باش  
(قزوه، ۱۳۸۹: ۶۱)

**اضافه اقترانی:** اضافه اقترانی نوعی اضافه دستوری است که «کاملاً شبیه اضافه استعاری است، اما از نظر علم بیان ارزشی ندارد؛ یعنی از ابزار تخیل و تصویرگری نیست و از این رو مربوط به حوزه زبان است» (شمیسا، ۱۳۹۰: ۱۸۰) در اضافه اقترانی، مانند «دست ادب»، مضاف رابطه اقترانی با مضاف‌الیه دارد؛ یعنی همراه آن است؛ ضمن این که در این نوع اضافه «مضاف همواره حسی و مضاف‌الیه عقلی است» (همان).

این دست‌ها ادامه دست وفای توست      امروز اگر بزرگ تر از بی نهایتیم  
(قزوه، ۱۳۸۹: ۱۵)

**اضافه بنوت:** به ساده‌ترین تعریف، اضافه‌ای است که در آن، مضاف نام پسر و مضاف‌الیه نام پدر باشد:  
شهر ما آن سوی آبی‌هاست، دور از دسترس شهر ابراهیم ادهم، شهر لقمان حکیم  
(همان: ۶۹)

نه، موریانه نبود / ترکش بود / بر زخم صدایت / و ایستادی و خواندی / درست مثل سلیمان داوود صدای تو  
خورده بود به کوه / و کوه بازگشت / بی صدای تو. (همان: ۱۱۰)

**اضافه بیانی:** اضافه بیانی اضافه‌ای است که در آن مضاف‌الیه، جنس مضاف باشد (ارژنگ، ۱۳۸۷: ۸۶):  
تو ماهی طلایی دریاچه نمک بودی / دریا بخار شد / آنقدر که جای آب / گلوله‌های نمک ماند

(قزوه، ۱۳۸۹: ۱۱۰)

**اضافه توضیحی:** در این نوع اضافه، مضاف‌الیه اسم مضاف است:

کنار رود کارون جان سپردی دو چشمم بعد تو زاینده‌رود است  
(همان، ۱۳۷۶: ۲۴)

### ترکیب اضافی بلاغی

**اضافه تشبیهی:** اضافه تشبیهی، تشبیهی است که در آن مشبه و مشبه‌به، به هم اضافه شده باشند و در این صورت ادات تشبیه و وجه شبه محذوف است (شمیسا، ۱۳۹۰: ۴۵):

در کوله‌بار غربتم یک دل از روزهای واپسین مانده‌ست

عباس‌های تشنه‌لب رفتند، مشک صداقت بر زمین مانده‌ست

(قزوه، ۱۳۹۳: ۲۹)

**اضافه استعاری:** در اضافه استعاری، مضاف‌الیه، مشبه مذکور است و مضاف، از لوازم مشبه‌به محذوف (مهیار، ۱۳۷۶: ۴۱):

یعقوب منا یوسف افتاده در این چاه دیری‌ست که خون می‌چکد از پیرهن ماه

(قزوه، ۱۳۸۹: ۴۳)

### ترکیب وصفی زبانی

هر ترکیب وصفی مانند «گل سرخ» که در آن موصوف با صفت واقعی خود بیاید، ترکیب وصفی زبانی است:  
چه اشتباه بزرگی / برای ابر کفن می‌دوزیم / برای زمین، قبر می‌کنیم / به دست زمان ساعت می‌بندیم

(همان: ۱۳)

### ترکیب وصفی بلاغی

**ترکیب وصفی تشبیهی:** در ترکیب وصفی تشبیهی، مانند «مشت آهنین»، برای موصوف، صفتی به کار می‌رود که مشبه‌به آن است. در این نوع ترکیب وصفی، معمولاً پسوند‌های نسبت یا کلمات صفت‌ساز دیگر، حکم ادات تشبیه دارند:

بیا تا جام مرآتی بگیریم می از دست محلاتی بگیریم

(همان، ۱۳۷۶: ۲۸)

### ترکیب وصفی استعاری:

در این نوع ترکیب وصفی، مانند «شب معصوم»، موصوف، مشبه مذکور است و صفت، در واقع صفت مشبه‌به محذوف:

دو قریه آن طرف‌تر پیچ سمت لبخند شکوفه می‌فرشود، بهار دوره‌گردی

(همان، ۱۳۸۹: ۱۳۶)

ای بهار مهربان در مسیر کاروان گل بپاش و گل بپاش گل بکار و کل بکار

(همان، ۱۳۸۸: ۱۵)

ناگفته نماند که گاه کاربرد انواع ترکیب‌های بالا در کار قزوه، شکل تابع اضافات یا تنسیق الصفات دارد.

تتابع اضافات مانند:

ای زخم شکوفا بگشا در سحر وصل  
گلخانه در بسته پیشانی ما را  
(همان: ۱۶)

و تنسیق الصفات مانند:

باید تهمتانه گذشت از هزار خوان  
هر خوانش ازدهای سیاه هزار سر  
(همان: ۱۳۶)

همچنین گاه اسم یا صفت به کاررفته در ترکیب‌های اضافی و وصفی مورد مطالعه، خود، کلمه مرکبند:

بده ساقی می زاینده‌هوشی  
شرابِ عرشِ خورشیدجوشی  
(قزوه، ۱۳۷۶: ۱۴)

به همین گونه گاه شاعر، متمم را صفت قرار می‌دهد:

می ای از اصفهان دردپرور  
ز خاک عاشقان مرد پرور  
(همان: ۲۴)

شاید نکته مهم‌تر این باشد که اکثر قریب به اتفاق ترکیب‌های اضافی و وصفی در شعر قزوه، از نوع بلاغی‌اند و این نکته، رابطه ترکیب‌سازی و شاعرانگی و حتی رابطه ترکیب‌سازی و تفکر را نزد این شاعر می‌رساند. هنرنمایی‌های قزوه در ترکیبات بیانگر توانایی شاعری اوست. وی با این کار علاوه بر زیبایی لفظی و انسجام محور همنشینی، به بار معنایی شعر توجه داشته است و احساس و فکرش را با مخاطب در میان گذاشته است:

بوی اشک و شروه و اسپند و قرآن  
ناگهان از سمت نخلستان می‌آید  
(قزوه، ۱۳۸۹: ۷۴)

کیبود شعله‌ور آبی سپیده‌طلعت مهتابی  
به خون نشستن تو امروز، به گل نشستن تو فردا  
(همان: ۴۰)

قزوه برای این که جنبه‌های دیگری از پدیده‌ها را به مخاطب نشان دهد، با ترکیب‌های استعاره‌ای، معانی جدید می‌آفریند. چنان که می‌دانیم «مهم‌ترین نوع مجاز، مجاز به علاقه مشابهت است که به آن استعاره می‌گویند» (شمیسا، ۱۳۹۰: ۱۵۷) و «استعاره، فشرده‌ترین نوع تشبیه است» (صفوی، ۱۳۹۴: ۱۳۳/۲). قزوه از این شگرد برای فشردگی هرچه بیشتر معنا در ترکیب‌های اضافی و وصفی بهره می‌گیرد و بر شاعرانی ناشی از ابهام شعرهایش می‌افزاید:

یک شب کدام شب؟ شب مرگ ستاره‌ها  
یک کهکشان سوخته دیدم که سر نداشت  
(قزوه، ۱۳۸۸: ۲۱)

## ۲-۲ ترکیب‌ها در سطح تفسیر

تفسیر، ترکیبی از محتویات متن و ذهنیت مفسر است. در این مرحله، ویژگی‌های صوری متن، به منزله سرنخ‌هایی است که عناصر دانش زمینه‌ای ذهن مفسر را فعال می‌سازد و تفسیر، محصول ارتباط متقابل میان آن سرنخ‌ها و این دانش زمینه‌ای است (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۲۱۵).

از این چشم‌انداز با دقت در ترکیب‌های اضافی و وصفی پنج مجموعه شعر مورد نظر، درمی‌یابیم که دست‌کم یک سویه ترکیب‌ها عموماً جنبه اجتماعی و فرهنگی یا تاریخی و جغرافیایی یا دینی و مذهبی یا عرفانی و رمزی و یا ملی و اساطیری دارند.

## ترکیب‌های اجتماعی و فرهنگی

در این ترکیب‌ها یک سویه ترکیب، جنبه اجتماعی یا فرهنگی دارد، چنان که در نمونه‌های زیر تشبیه جنازه و منبر و حسینیه اینگونه‌اند و یادآور ایام دفاع مقدس و تشبیه پیکر مطهر شهدا:

از شب‌نم اشک گونه‌هامان تر بود  
از منبر دست‌ها که بالا می‌رفت  
تشیب جنازه گلی پرپر بود  
در صحن حسینیه دل محشر بود  
(قزوه، ۱۳۸۸: ۳۶)

در نمونه زیر «کاسیو» به عنوان اسم ساعت، نماد مدرنیته و عامل غفلت از فرایض دینی قرار گرفته است: امسال به ساعت‌های کاسیو اطمینان کردیم/ و نماز صبحمان قضا شد (همان: ۵۹)

### ترکیب‌های تاریخی و جغرافیایی

ترکیب‌هایی است که جزئی از آن‌ها جنبه تاریخی و جغرافیایی دارد:

گرهی باز نکرد از دل نیشابورم      نه سمرقند نگاهی، نه خجندابرویی  
(همان، ۱۳۸۹: ۶۰)

### ترکیب‌های دینی و مذهبی

در ترکیب‌های شعر قزوه چه بسا به ترکیب‌هایی برمی‌خوریم که یک سویه آن‌ها بار دینی و مذهبی دارد و به سرگذشت پیامبران و ائمه بازمی‌گردد:

زمین هر روز فرعون‌ی دگر در آستین دارد      دعا کن هر سحر آبتن موسی شود نیلش  
(همان: ۴۵)

کجا یوسف اسیر چاه تن شد      به هر گامی خلیل بت‌شکن شد  
(همان، ۱۳۷۶: ۳۷)

ناگفته نماند، «یکی از اضافه‌هایی که ارزش هنری دارند، اما در بلاغت سنتی ذکر نشده‌اند، اضافه تلمیحی است. در این اضافه، فهم وجه‌شبهه یا وجه ربط در گرو آشنایی با داستان و اسطوره و به اصطلاح، تلمیحی است» (شمیسا، ۱۳۹۰: ۱۲۳). قزوه از این هنر برای مقاصد اعتقادی سود می‌جوید و این کار در شعرش به دو صورت پیش می‌رود: الف) استفاده از آیات یا قصص قرآنی: در این دست ترکیب‌ها با انواع کاربرد عبارات و شخصیت‌های قرآنی در ترکیب مواجهیم:

می لبریز «حمد» و «قل هو الله»      می که «قل هو الله احد» گوشت

(قزوه، ۱۳۷۶: ۱۵)

همه مستان بزم قاب قوسین

همه «نورالقلوب» و قره العین  
(همان: ۲۱)

مرا در دل به گاه مرگ این یک آرزو باقی است      که ابراهیم دل با آتش محشر کند بازی

(همان، ۱۳۸۹: ۵۸)

این که گریه می‌خندد از تبار یعقوب است      آن دو غیرت نایاب یوسفند و بنامین

(همان: ۷۱)

پنهان کنید یوسف اندیشه مرا      وقتی که دزد راه زلیخای تهمت است

(همان، ۱۳۸۸: ۲۰)

ب) استفاده از وقایع عاشورایی: در اینجا وقایع و قهرمانان عاشورا جای عبارات و شخصیت‌های قرآنی را در ترکیب می‌گیرند و جنبه مذهبی شعر را پررنگ می‌سازند:

آن زخم‌های شعله‌فشان هفت اخترند      یا زخم‌نخس‌های علی اکبر شما

(همان، ۱۳۸۵: ۳۷)

نخستین اتفاق تلخ‌تر از تلخ در تاریخ      که پشت عرش را خم کرد، یک ظهر محرم بود

فتاد از پا کنار رود در آن ظهر دردآلود      کسی که عطر نامش آبروی آب زمزم بود

(همان، ۱۳۸۹: ۳۳)

### ترکیب‌های عرفانی و رمزی

در بسیاری از ترکیب‌های اضافی و وصفی شعر قزوه، یک سویه عرفانی و بویژه رمزی از نوع اصطلاحات صوفیان کاربرد دارد و این نکته جهت‌گیری شاعر را به سمت نگاه غالب در اوج ایام دفاع مقدس نشان می‌دهد:

بده ساقی سبویی حال گردان  
 مرا از اهل بیت می بگردان  
 (همان، ۱۳۷۶: ۱۲)

همه افکنده بر خورشید سایه  
 خدامردان مصباح الهدایه  
 (همان: ۲۱)

همه عارف دل شرح تعرف  
 همه در عشق ابراهیم و یوسف  
 (همان: ۲۱)

### ترکیب‌های اساطیری و ملی

گاه ترکیبات شعر قزوه با اسطوره و به‌ویژه اسطوره‌های ملی گره خورده است، چنان که در ترکیب «حصرت خورشید» (همان، ۱۳۸۹: ۵۹)، اسطوره ایرانی «خورشید» را آورده است. از آنجا که اسطوره با زبانی نمادین به چند لایه شدن شعر کمک می‌کند در تحلیل گفتمان اهمیت دارد:

باید تهمتانه گذشت از هزار خوان  
 هر خوانش ازدهای سیاه هزارسر  
 (همان: ۱۳۶)

قزوه در بیت بالا با کاربرد ترکیب وصفی اسطوره‌ای «ازدهای سیاه هزارسر» ذهن مخاطب را به اسطوره‌های کهن پیوند می‌زند. ازدهای از عناصر پهلوانی و حماسی هند و اروپایی و بلکه جهانی است: «چنان که در هفت خوان رستم آمده است، ازدهای هفت خوان رستم با رستم سخن می‌گوید و نام او را می‌پرسد و به پرسش‌های او پاسخ می‌دهد. شاید در بطن این ازدهای اهریمنی و سیمرغ اهورایی اختلاط دو خاطره و دو سنت (یعنی اختلاط شخصیت جادویی و اهریمنی با ازدها و شخصیت اهورایی با سیمرغ) پنهان باشد، که البته در مورد سیمرغ مسلماً چنین اختلاطی طی قرون و اعصار صورت گرفته است. دو جنبه انسانی و ازدهایی ضحاک نمونه مشخص این نوع اسطوره است» (مرتضوی، ۱۳۷۲: ۱۳۲-۱۳۱).

### ۲-۳ ترکیبات در سطح تبیین:

تبیین، مرحله‌ای از تحلیل گفتمان است که به بیان ارتباط میان متن و بافت اجتماعی می‌پردازد. این سطح، به امکانات زبان برای تولید متن در ارتباط با عوامل جامعه‌شناختی، تاریخی، ایدئولوژی، قدرت، قراردادهای و دانش فرهنگی - اجتماعی نظر دارد (محسنی، ۱۳۷۹: ۷۹).  
 اگر از منظر سطح تبیین تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف به ترکیب‌های شعر قزوه نگاه کنیم، متوجه می‌شویم که او از ظرفیت‌های مختلف زبانی و ادبی برای بیان ارزش‌های اسلامی و انقلابی سود جسته است که عموماً حول محورهای اعتقادی و اجتماعی زیر پدید آمده‌اند و رویکرد گفتمانی وی را نشان می‌دهند:

### دفاع مقدس

مهم‌ترین برهه شاعری قزوه با شعرهای دفاع مقدس او پا گرفت و وی بیش از هر شاعر معاصر دیگر به این موضوع پرداخته است و بویژه نگاه شیعی این شاعر در آن باب، قابل تأمل است:

چه دید آن روز؟ قرآن روی نیزه  
 «حسین» کربلاهای هویزه  
 (قزوه، ۱۳۷۶: ۲۹)

نمونه‌های دیگر:

تابوت سرگردان (همان، ۱۳۸۵: ۷۳)، مردان بی ادعا (همان، ۱۳۸۸: ۴۰) مادر سه شهید (همان: ۵۳)، سرداران بی‌دست (همان، ۶۳)، پاهای قطع شده (همان: ۶۴)، روایت فتح (همان)؛ صندلی‌های چرخدار (همان: ۶۹) انتهای جاده ایثار (همان، ۱۳۹۳: ۷۹) و بچه‌های کربلای چهار (همان).

### شهادت و شهیدان

قزوه در این‌گونه ترکیب‌ها، ضمن پرداختن به حماسه دفاع مقدس به بزرگداشت شهادت و شهیدان می‌پردازد و چنان



که می‌دانیم این موضوع نیز، با توجه به واقعه عاشورا از موضوعات مورد توجه شیعه است:  
شهیدان سوره والفجر هشتند / که چون آب از دل آتش گذشتند  
(همان، ۱۳۷۶: ۳۱)

نمونه‌های دیگر:

شقایق سیرتان گلشن راز (همان: ۲۱)، مدهوشان خاکی پوش عاشق (همان، ۲۳)، شهید کربلاهای همیشه (همان: ۲۹)، شهید کربلای چار و هشت (همان: ۳۱)، خضر شهادت (همان، ۱۳۸۵: ۳۴)، گلگون پیکران لشکر نصر (همان، ۱۳۸۹: ۳۲) و شهیدان جنون (همان: ۶۹).

### مذهب

چنان که اشارت رفت، قزوه در ترکیب‌سازی‌هایش از هر موضوع، برای گریز به وقایع مذهبی بهره می‌برد و می‌کوشد در این باره، فکر تولید کند. «شکل درست پرداختن به مذهب نیز همین است، استفاده از آموزه‌ها و متون دینی برای الگودهی و جهت‌بخشی به مخاطبان و نه صرفاً یک تجلیل و توصیف بی‌هدف و ناکارآمد مگر برای محافل و مجامع» (کاظمی، ۱۳۸۷: ۳۱۷).

حسن یعنی حسین صبرپیشه / شهید کربلاهای همیشه  
(قزوه، ۱۳۷۶: ۲۹)

نمونه دیگر:

باس مذهب (همان، ۱۳۸۸: ۶۰).

### اعتراض

اعتراض یکی از جلوه‌های ادبیات پایداری است که معمولاً درون‌مایه‌اش اعتراض به بی‌عدالتی، تبعیض، ظلم و ستم، غفلت و بی‌خبری جامعه و فراموش شدن ارزش‌های دینی و ملی است. قزوه از پیشروان اصلی این جریان در شعر معاصر است و می‌کوشد این موارد را در ترکیب‌سازی‌هایش هم جلوه‌گر سازد:

ای کاش دنده اخلاص مان نمی شکست / ای کاش سجاده ایمانمان نمی پوسید. (همان، ۱۳۸۸: ۷۴)  
صندلی‌های چرخدار / بال درآورده‌اند / پیراهن‌های خاکی / در گنج‌ها می‌گیرند. (همان، ۱۳۹۳: ۹۱)

هلا دین فروشان دنیاپرست / سکوت شما پشت ما را شکست  
(همان، ۱۳۸۸: ۴۲)

مرا کشت خاموشی ناله‌ها / دریغ از فراموشی لاله‌ها  
(همان: ۳۹)

و هیچ کس به ریش‌داران بی‌ریشه نگفت / بالای چشمتان ابروست. (همان: ۴۷)  
از چارراه درد گذشتیم / از چارراه فقر / که اعتراض ابوذر مرا به خود آورد... (همان: ۷۱)

نمونه‌های دیگر:

سیاست‌بازان لرد مستضعف (همان، ۱۳۸۸: ۶۰)، جیب‌برهای بی‌جواز، جیب‌برهای باجواز، غول‌های پوشیده در لباس مذهب، باند مهدی هاشمی هزار پا (همان)، آقای شعار (همان: ۷۹)، مردان خط و خطبازی، مردان چرت و مردان خرناسه (همان: ۸۳).

### استکبارستیزی

شعر قزوه، همانند تریبونی است که از آن ندای مظلومیت کشورهای ستمدیده در مقابل ظلم و ستم صاحبان زر و زور و تزویر جهان به گوش می‌رسد و این موضوع در ترکیب‌های شعر او نیز آشکار است. بر این پایه، شعر وی، با ادبیات پایداری نسبت محکم‌تری می‌یابد:

بوفالوهای آمریکا خلیج فارس را شخم می‌زنند / برادرم با پوتین‌های کهنه سربازیش / بسیج می‌شود / مادرم آب و آینه و قرآن می‌آورد... (همان: ۵۷)

نمونه‌های دیگر:

خرابه‌های بیروت (همان، ۱۳۸۵: ۱۰۰)، شلوار اسرائیلی (همان، ۱۳۸۸: ۶۳)، جنازه الجزایر (همان: ۹۲)، اردوگاه‌های فلسطینی (همان: ۶۲)، شهیدان بیت‌المقدس: ۶۳، ستاره‌های یائتسه (همان، ۱۳۹۳: ۸۹)، باغ‌های سارایوو (همان: ۹۰) و زیتون‌های طرطوس (همان).

### نتیجه‌گیری

علیرضا قزوه، زاده بهمن ۱۳۴۲ ش در گرمسار، از جمله شاعران اثرگذار حوزه انقلاب اسلامی و دفاع مقدس است. درونمایه اشعار او، بیشتر انقلابی و مذهبی است و این نکته از جای‌جای شعرهای وی برمی‌آید. از سوی دیگر، با توجه به هندی‌گرایی قزوه، فرایند ترکیب‌سازی در اشعار او زیاد دیده می‌شود و ترکیب‌های این اشعار، سرنخ‌های گفتمانی وی را آشکار می‌کنند. بر پایه تحلیل گفتمان انتقادی نورمن فرکلاف، نتیجه تحقیق ما نشان می‌دهد که:

- ۱- در شعر قزوه انواع ترکیب‌های اضافی، به‌ویژه ترکیب‌های بلاغی و بخصوص اضافه‌های تشبیهی و استعاری، به‌وفور یافتنی است.
- ۲- ترکیب‌های اضافی و وصفی در شعر قزوه با عناصر اجتماعی و فرهنگی یا تاریخی و جغرافیایی یا دینی و مذهبی یا اساطیری و ملی پدید آمده‌اند.
- ۳- ترکیب‌های اضافی و وصفی شعر قزوه، عموماً بیانگر رویکرد دینی و انقلابی این شاعر با مضامین مربوط به دفاع مقدس، شهادت و شهیدان، مذهب، اعتراض و استکبارستیزی‌اند.

### پی‌نوشت

\* این دیدگاه از کلاس درس دکتر علیرضا فولادی، عضو هیئت علمی دانشگاه کاشان نقل شد و جا دارد در اینجا از ایشان سپاسگزار باشیم.

## دهمین همایش ملی پژوهشهای زبان و ادبیات فارسی - دی ۱۳۹۹

### فهرست منابع:

۱. آشوری، داریوش، (۱۳۷۵)، *زبان و کارکردهای آن، کتاب درباره زبان فارسی* (برگزیده مقاله‌های نشر دانش (۷) - زیر نظر نصرا... پور جوادی). چ ۱، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
۲. ارژنگ، غلامرضا. (۱۳۷۴). *دستور زبان امروز*. تهران: قطره.
۳. تقی‌زاده، ساجده و دیگران (۱۳۹۲) *بررسی جریان اعتراض در شعر و سینمای دفاع مقدس با تکیه بر آثار علیرضا قزوه و ابراهیم حاتمی‌کیا، پژوهش زبان و ادبیات فارسی، پاییز، شماره ۳۰*.
۴. حسینی موخر و دیگران، (۱۳۹۵) *بررسی تطبیقی درونمایه اعتراض در شعر احمد مطر و علیرضا قزوه، مطالعات تطبیقی فارسی و عربی، ۱، (۲) صص ۳۹-۶۶*.
۵. خیام‌پور، عبدالرسول. (۱۳۷۵). *دستور زبان فارسی*. چ ۱۰. تهران: کتابفروشی تهران.
۶. ذاکری، مصطفی، (۱۳۷۲). *اشتقاق عامیانه و واژه‌سازی تفنی، مجموعه مقالات سمینار زبان فارسی و زبان علم (زیر نظر علی کافی)*. چ ۱، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
۷. ذاکری، مصطفی، (۱۳۸۱). *اتباع و مهملات در زبان فارسی*، چ ۱، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
۸. سفارشی بیدگلی، حسن، (۱۳۹۴) *بررسی تطبیقی اشعار محمود درویش و علیرضا قزوه، دانشکده ادبیات فارسی، دانشگاه تهران*.
۹. شریعت، محمد جواد. (۱۳۷۵). *دستور زبان*. چ ۷. تهران: اساطیر.
۱۰. شفیع کدکنی. محمدرضا. (۱۳۶۶). *شاعر آینه‌ها (بررسی سبک هندی و شعر بیدل)*. چاپ اول، تهران، آگاه.

۱۱. ----- (۱۳۹۰). بیان. تهران: میترا.
۱۲. ----- (۱۳۹۴). از زبان شناسی به ادبیات. جلد دوم. چ ۵، تهران: سوره مهر.
۱۳. طباطبایی، علاء‌الدین (۱۳۷۶). فعل بسیط فارسی و واژه سازی، چ ۱، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
۱۴. عابدی، علی و یزدانی، حسین، (۱۳۹۶) بررسی مضمون و حوزه های عرفان در مجموعه اشعار قزوه، نشریه ادبیات پایداری، دانشگاه شهید باهنر کرمان، سال نهم، شماره شانزدهم، بهار و تابستان.
۱۵. غلامعلی زاده، خسرو. (۱۳۷۷). شاهنامه و دستور. چ ۲، تهران: دانشگاه تهران.
۱۶. فرکلاف، نورمن. (۱۳۷۹). تحلیل گفتمان انتقادی. ترجمه: فاطمه شایسته پیران و همکاران، ویراستاران محمد نبوی و مهران مهاجر. تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه ها.
۱۷. قبادی، حسینعلی. (۱۳۸۸). تحلیل گفتمان غالب در رمان سووشون سیمین دانشور. فصلنامه نقد ادبی. سال دوم. ش ۶. تابستان صص ۱۸۳-۱۴۹.
۱۸. قریب، عبدالعظیم و دیگران. (۱۳۷۸). دستور زبان پنج استاد، به اهتمام جهانگیر منصوری. چ ۴. تهران: ناهید.
۱۹. قزوه، علیرضا. (۱۳۷۶). این همه یوسف. تهران: سوره مهر.
۲۰. ----- (۱۳۸۵). با کاروان نیزه. تهران: سوره مهر.
۲۱. ----- (۱۳۸۸). از نخلستان تا خیابان. تهران: سوره مهر.
۲۲. ----- (۱۳۸۹). عشق علیه السلام. تهران: سوره مهر.
۲۳. ----- (۱۳۹۳). شبلی و آتش. تهران: سوره مهر.
۲۴. کاظمی، محمدکاظم. (۱۳۸۷). رصد صبح (خوانش و نقد شعر جوان امروز). تهران: سوره مهر.
۲۵. گلغام، ارسلان. (۱۳۸۹). اصول دستور زبان. چ ۳. تهران: سمت.
۲۶. لازار، ژیلبر، (۱۳۸۴)، دستور زبان فارسی معاصر، ترجمه مهستی بحرینی، چ اول ف تهران: هرمس.
۲۷. محسنی، محمد جواد. (۱۳۹۱). جستاری در نظریه و روش تحلیل گفتمان فرکلاف. معرفت فرهنگی اجتماعی. سال سوم. شماره سوم. تابستان. صص ۸۶-۶۳.
۲۸. محمدی، و دیگران (۱۳۹۰)، توان های بالقوه و بالفعل زبان فارسی در واژه سازی، نشریه ادب و زبان، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه باهنر کرمان، دوره جدید، ش (پیاپی ۲۷). صص ۲۹۹-۲۸۱. دی ۱۳۹۹
۲۹. مرتضوی، منوچهر (۱۳۷۲) فردوسی و شاهنامه، تهران، مطالعات و تحقیقات فرهنگی، چ اول.
۳۰. مشکوه الدینی، مهدی. (۱۳۸۴). دستور زبان فارسی (واژگان و پیوندهای ساختی). تهران: سمت.
۳۱. مشیری، فرشاد. (۱۳۹۵). وب سایت تخصصی شعر طنز، [www.sheretanz.ir](http://www.sheretanz.ir)
۳۲. مقربی، مصطفی (۱۳۷۲)، ترکیب در زبان فارسی. چاپ اول، تهران: طوس.
۳۳. مهبیار، محمد، (۱۳۷۶)، فرهنگ دستوری، چ اول، تهران: میترا
۳۴. ناتل خانلری، پرویز (۱۳۶۶)، /زبان شناسی و زبان فارسی. چ دوم، تهران: توس.
۳۵. نیستانی، محمود (۱۳۸۳)، تحلیل گفتمان انتقادی در عمل: تفسیر، تبیین و جایگاه تحلیل گفتمان انتقادی نورمن. فرکلاف، مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه، صص ۲۹۸-۲۷۴
۳۶. نوبهار، مهرانگیز، (۱۳۷۲)، دستور کاربردی زبان فارسی، چ اول، تهران: رهنما
۳۷. یاسمی، رشید و دیگران، (۱۳۸۰). دستور زبان پنج استاد، زیر نظر سیروس شمیسا، چ پنجم، تهران: فردوس.